

فضای سیاسی و اجتماعی ایران حداقل‌فاصل ۲۸ مرداد تا ۱۶ آذر ۳۲ نیازمند درک درست و دقیقی است؛ تا از پس آن نتیجه‌های منطقی برای چرایی خروش دانشجویان در ۱۶ آذر و پرپر شدن ۳ دانشجوی دانشگاه تهران به دست آید.

کودتای ۲۸ مرداد که تا ۲۵ سال بعد و تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سوی شاه و وابستگان رسانه‌ای‌اش به‌عنوان یک «قیام ملی و خودجوش» تعبیر و تحلیل می‌شد، هیچگاه از سوی مردم و رسانه‌های غیررسمی به این تعبیر پذیرفته نشد، هرچند شاه در هر ۲۸ مرداد به خاطر بازگشت به سلطنت جشنی بزرگ تدارک می‌دید.

مردم ۲۸ مرداد ۳۲ را با پسوندد و پیشوند «کودتا» و «امریکا» می‌شناختند. مردم هیچ‌گاه تئوری‌های روزنامه‌ای مبنی بر کمونیستی بودن دولت ملی مصدق را نپذیرفتند و همواره شاه در نظرشان «دیکتاتور»ی می‌آمد که «مصدق» ملی را کنار زده است. روایت رسمی شاه از ۲۸ مرداد ادامه داشت تا در آستانه انقلاب، «روزولت» و «وودهاس»، «داستان کودتا» را نوشتند و توضیح دادند چطور با همکاری شعبان بی‌مخ، شاه را به ایران بازگرداندند. کتابی که الهام‌بخش دانشجویان در تسخیر سفارت آمریکا در سال ۵۸ شد، دانشجویان نمی‌توانستند به آن مساله حساس نباشند، چون آنها از دخالت آمریکا ونحوه سرنگونی مصدق آگاهی کامل داشتند. اسنادی که ۵۰ سال بعد توسط «مادالین آلبرایت» وزیر خارجه کلینتون رونمایی شد، شهادی بر مدعی‌ا دخالت مستقیم آمریکا بود.البرایت در یک سخنرانی رسمی اینگونه اعتراف کرد: «در سال ۱۹۵۳ میلادی آمریکا نقش موثری در ترتیب دادن براندازی نخست‌وزیر ایران محمد مصدق داشت. دولت معتقد بود اقداماتش به دلایل استراتژیک موجه است. ولی آن کودتا آشکارا باعث سرفت مسیر تکاملی سیاسی ایران شد و تعجبی ندارد که هنوز بسیاری از ایرانیان از این دخالت آمریکا در امورشان ناراحتند. به علاوه در ربع قرن بعد از آن ایالات متحده و غرب پیوسته از رژیم شاه حمایت کردند». دولتی که مخالفان خود را بربرحمانه سیرکوب کرد. دست‌سور کودتا از طرف چرچیل و آیزنهاور صادر شد.»

۵ آبان ۳۲ روز تولد شاه زیر بیرق حکومت نظامی در سراسر کشور جشن گرفته شد. روزنامه‌ها وضع را عادی جلوه می‌دادند اما وضع عادی نبود. دانشجویان هر روز در مسیر با تانک‌های حکومت نظامی مواجه می‌شدند؛ تانک‌هایی که مطمئن بودند برای تأمین امنیت آران رژه نمی‌روند.

همزمان «نیکسون» سفر دوره‌ای و طولانی مدت به آسیا را با ۲ هدف عمده حفظ جریان نفت به سمت غرب و مک‌کارتیسم و مقابله با شوروی آغاز کرده بود. سفارت انگلیس که سال قبل به خاطر توطئه علیه ملی شدن نفت توسط مصدق دستور شده بود، توسط «میدلله امیرانتظام» وزیر امور خارجه در آستانه گشایش بود.

مجلس سنا هم با معرفی اعضای انتصابی شاه



جستاری پیرامون افزایش نفوذ آمریکا در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد

# مسأله نفت نبود؟ نبود!

- رضاجهانشاهی

آغاز به کار کرده بود. محاکمه مصدق هم آغاز شده بود. پس از تعیین وکلا و تهیه مقدمات، اولین جلسه دادگاه نظامی محمد مصدق و سر‌رتیب ریاحی ۱۲ آبان برگزار و طی ۴ ساعت، تنها ۳۰ صفحه از پرونده اتهامی قرائت شد. محاکمه مصدق که از این تاریخ به طور پیوسته جریان می‌یابد در روزنامه‌ها چاپ می‌شود. در طول محاکمه، اعتراضاتی در شهر و حوالی دانشگاه تهران صورت می‌گیرد که بشدت سرکوب می‌شود. در طول محاکمه در شهر و خصوصا حوالی دانشگاه تهران تظاهرات مختصری صورت می‌گیرد که نظامیان افراد را متفرق و محرکین را دستگیر می‌کنند. تعدادی از مردم نیز بر اثر تیراندازی زخمی می‌شوند. مصدق اگرچه صلاحیت دادگاه نظامی را زیر سوال می‌برد اما نتیجه‌ای نمی‌گیرد چون به نقل خود مصدق وکیل و قاضی و دادستان همه آدم‌های شاه بودند؛ آدم‌های آمریکا و انگلیس، چرا که دعوا را دعوای سلطنت و مصدق نشان می‌دادند تا دعوای نفت که مردم برایش خون‌ها داده بودند فراموش شود. دعوا بر سر انرژی چاه‌های نفتی بود که صنعت غرب هر روز به آن تشنه‌تر می‌شد.

## تطبیق‌های رمانتیک، همانندسازی‌های ایدئولوژیک

ماند. این عوامل که به طور خلاصه به آنها اشاره شد پایه‌های تقدیس مصدق را در عین احترام به او و تلاش‌هایش در راه احقاق حقوق حقه ملت ایران می‌لرزاند.

با این توضیح و قبل از پرداختن به نکته دوم باید گفت اساسا شخصیت‌های تاریخی را باید در کانتکس زمان و مکان خود آنها دید و سنجدید و اساسا تاریخ پدیده‌ای زمانی است نه فرازمانی! نکته دوم که متعاقب نکته اول به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر پدیده‌های تاریخی و شخصیت‌های آن تاریخمند و زمینه‌مند (contextual) هستند، لذا همانندسازی پدیده‌ها



ما خارج است اما با یادآوری ۲ نکته ذکر شده می‌خواهد راه را بر مقدس کردن خارج از واقعیت پدیده‌های تاریخی و متعاقبا همانندسازی‌های گاه‌رمانتیک و ایدئولوژیک ببیند.

گذشته از این اگر قائل به شباهت میان ظریف و مصدق باشیم و در بازخوانی تاریخ ملاحظات فوق را نادیده انگاریم، باز هم این امر شدنی نیست. به دلیل آنکه هنوز اتفاق چشمگیری نیفتاده است. نه نتیجه مذاکرات هسته‌ای مشخص است و نه مکانیسم رفع تحریم‌ها و نه چگونگی ادامه یافتن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. مضافا پس از بیانیه لوزان، ارائه فکت‌شیت‌ها و کثرت تفاسیر از آن توسط دولت‌های ۱۰۵۱ بر ابهام موضوع و مذاکرات افزوده است. پس بااین حساب چگونه می‌توان میان یک شخصیت تاریخی مشخص و رویداد تاریخی معین با یک شخصیت کنونی که هنوز کار خود را به پایان نبرده و رویداد تاریخی‌ای که هنوز اتفاق نیفتاده پلی برقرار کرد؟! بنابر این اگر قائل به شباهت‌سنجی نیز باشیم باید تا چند ماه آینده صبر کرد، چه رسد به اینکه اساسا امکان این شباهت‌سنجی مردود است.



سیدحسین میرخانیمیر خانی

از دانشجویان خوف داشت و در دانشگاه حاضر نمی‌شد. اساتید و دانشجویان از گروه‌های مختلف طبیعتا موافق دولت کودتا نبودند. کودتاجیان اگرچه برخی از آنها را تهدید کرده بودند اما بسیاری از اساتید و دانشجویان از حکومت نظامی ترسی نداشتند، چرا که به حضور هر روزه آنها در دانشگاه با تانک و اسلحه عادت کرده بودند. سفر نیکسون و هیات همراهش به تهران فرصت مناسبی برای نشان دادن عمق انزجار دانشجویان از آمریکای حامی کودتا بود. اعتراضات بالا گرفت. دانشجویان با همراهی مردم تدارک راهپیمایی و تظاهرات گسترده‌ای در ۱۴ آذر را دادند. دانشجویان از این فرصت استفاده کردند و در کلاس‌ها و جمع‌های دانشجویی به طرح مباحث مربوط به سفر نیکسون و برقراری روابط با انگلیس می‌پرداختند. ناآرامی محوطه نظامی دانشگاه تهران را فراگرفته بود و دولت کودتا شرایط را برای خود سخت می‌دید. دولت برای اینکه اعتراضات به ۱۷ آذر یعنی روز حضور نیکسون در دانشگاه تهران، سخنرانی و دریافت دکترای افتخاری وی نکشد، برای جلوگیری از اعتراضات بعدی دانشگاه را به محاصره کامل نظامی درآورد.

صبح ۱۶ آذر، هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق‌العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شده، وقوع حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردند. پوران شریعت‌رضوی ۱۶ آذر ۳۲ را این‌طور روایت می‌کند: روز ۱۶ آذر ۲ دانشجو، از پشت پنجره کلاس برای چند سرباز شکک درمی‌آوردند و آنها را مسخره می‌کنند. وقتی سربازان برای بردن دانشجویان وارد کلاس می‌شوند، استاد شمس ملک‌آرا مقاومت می‌کند و جریان را به اطلاع ریاست دانشکده می‌رساند. مهندس خلیلی، ریاست دانشکده اجازه ورود به سربازان نمی‌دهد و دکتر رحیم عبادی، معاونت دانشکده را موظف می‌کند در صورت ورود سربازان به کلاس، زنگ دانشکده به نشانه اعتراض نواخته شود. این اتفاق می‌افتد و زنگ اعتراض در تمام دانشکده شنیده می‌شود، دانشجویان در راهروهای دانشکده به یکدیگر می‌رسند و شعار «مصدق پیروز است/ شاه قبیض

است»، بلندتر از هر فریاد دیگری شنیده می‌شود. شعاری که مجوز تیراندازی به سربازان می‌دهد و ۳ شهید و ده‌ها مجروح در راهروهای دانشکده فنی بر جای می‌گذارد. آذر شریعت‌رضوی و مصطفی بزرگنیا در همان راهروی دانشکده جان می‌دهند و احمد قندچی ساعاتی بعدتر و در بیمارستان: «آذر زاهدی همسویی داشت در سرمقاله ۱۶ آذر خود با تیترا «پنده نفت؟» نوشت: «بزرگ‌ترین مشکل فعلی نفت راهداندازی پالایشگاه آبادان و اخذ درآمدهای آن برای دولت است»(۱)

پیش‌تر روزنامه‌ای خارجی نوشته بود: نفت ایران از حیث هزینه بهره‌برداری ارزان‌ترین نفت دنیااست. محمدرضا از دانشگاه می‌ترسید و این مساله نفت و دولت هیچ کدام دیگر ملی نبودند، چون شاه آمریکایی شده بود.

## یک قیاس مع الفارق و ۶ نکته

**محمد زعیب‌زاده: ۱-** هواداران دکتر ظریف و دوستداران ایشان که این روزها در حال قیاس جناب ظریف با مرحوم مصدق هستند؛ احتمالا اینن کلام حضرت روح‌الله را نشنیده‌اند که فرمودند: «مسلمان‌ها بنشینند تماشا کنند که یک گروهی که از اولش باطل بودند [هر کاری می‌خواهند تماشا کنند که می‌از آن ریشه‌هایش می‌دانم – یک گروهی که با اسلام و روحانیت اسلام سرسخت مخالف بودند. از اولش هم مخالف بودند. اولش هم وقتی که مرحوم آیت‌الله کاشانی دید که اینها خلاف دارند می‌کنند و صحبت کرد، اینها یک سگی را نزدیک مجلس عینک به آن زدند و اسمش را «آیت‌الله» گذاشتند! این در زمان آن – محمد مصدق، رهبر جبهه ملی – بود که اینها فخر می‌کنند به وجود او. او هم مسلم نبود. من در آن روز در منزل یکی از علمای تهران بودم که این خبر را شنیدم که یک سگی را عینک زده‌اند و به اسم «آیت‌الله» توی خیابان‌ها می‌گردانند. من به آن آقا عرض کردم که این دیگر مخالفت با شخص نیست؛ این سیلی خواهد خورد و طولی نکشد که سیلی را خورد و اگر مانده بود، سیلی بر اسلام می‌زد».اگر دوستداران جناب ظریف این فرمایش حضرت روح‌الله را نشنیده‌اند که هیچ‌ا ما اگر شنیده‌اند و چنین جنایی در حق دکتر ظریف می‌کنند و او را در ردیف کسی قرار می‌دهند که اگر مانده بود سیلی به اسلام می‌زد، حتما دوستدار نظام و انقلاب و ان‌شاءالله دکتر ظریف نیستند و اگر هستند و احتمالا هم خود را خط امامی و انقلابی می‌دانند باید به لوازم این مشابهت‌سازی تام هم پایبند باشند و توضیح بدهند مصداق آن سیلی معهود در زمان حال چه می‌شود؟!

۲- مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵۱+ پس از ۱۲ سال به نقطه حساس و البته متفاوتی رسیده است. متفاوت از این منظر که بین دولت ایران و دولت ایالات متحده آمریکا این بار یک ویژگی مشترک وجود دارد: هر دو به مذاکرات به‌عنوان بخشی از کمپین انتخاباتی خود نگاه می‌کنند اما تفاوت آنجاست که به نظر می‌رسد دولت آمریکا با اشراف تمام بر منافع ملی با تقسیم کار هوشمندانه بین دولت و کنگره توانسته است اهداف دوگانه مه‌ار ایران و اثرگذاری بر مناسبات داخلی را به‌خوبی محقق کند.

۳- اظهارات دولتمردان ایرانی یک‌انگاره مهم، برای کمپین انتخاباتی فرض کردن مذاکرات است. «محمدرجواد ظریف» همین چند ماه پیش در پاسخ به «هاله اسفندیاری»، یکی از عناصر انقلاب‌های

مخملین – از تبعات شکست مذاکرات ابراز نگرانی می‌کند و به او یادآوری می‌کند اگر مذاکرات شکست بخورد، جریان رقیب آنها انتخابات مجلس را خواهد برد. وزیر امور خارجه دولت روحانی در سال ۲۰۱۴ بر اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا سخنرانی کرد، در این نشست هاله اسفندیاری، مدیر بخش مطالعات خاورمیانه اندیشکده «وودرو ویلسون» از ظریف پرسید: لطفا دربار ه

تقریب تاریخ

**کاشت اولین بذر توتون توسط**

**«حکیم فانوس» (۱۲۶۶ش)**

دکتر استپان هاراتونیان که در گیلان به حکیم فانوس معروف بود، وی علاوه بر پزشکی به کار فلاحت توتون نیز مشغول بود. او اولین کسی بود که بذر توتون سیگار را در سال ۱۲۵۳ش از ترکیبه به گیلان آورد و در ملک شخصی خویش کاشت. او بود که بذر توتون سیگار را به تنباکوکاران فومن داد تا بکارند و بر اثر مساعی او کشت توتون جانشین تنباکو شد و کارخانه سیگارسازی در رشت تاسیس شد.

**درگذشت «سیدحسین میر خانی»**

**خوشنویس پر جسته (۱۳۶۱ش)**



سیدحسین میرخانی برادر بزرگ‌تر استاد سیدحسن میرخانی معروف به سراج‌الکتاب، در سال ۱۲۸۴ در تهران به دنیا آمد. تعلیم خط را از پدر که از خوشنویسان و شاگردان میرزا رضا کلهر بود فرا گرفت و طولی نکشید که به جرگه خوشنویسان بویژه در تحریر خط نستعلیق درآمد. میرخانی مدرس خط کلاس عمومی خوشنویسی اداره هنرهای زیبا بود و مجال کمتری برای کتبات آثار می‌یافت. از آثار مهم کتابت استاد میرخانی، ۲ مجلد قرآن کریم است که قرآن اول با ترجمه فارسی و قرآن دوم، بدون ترجمه به چاپ رسید. سیدحسین میرخانی موفق به دریافت نشان درجه یک هنر و نشان درجه ۳ خدمت شد و تقدیرنامه‌ای از دانشگاه الزهرا به مناسبت نوشتن اولین قرآن اخذ کرد. از خدمات مهم وی در جهت گسترش هنر خوشنویسی، پایه‌گذاری انجمن خوشنویسان ایران است که هم‌اکنون نیز این انجمن در راستای این هنر فعالیت می‌کند. این استاد گرامی‌به‌سرانجام در یازدهم خرداد سال ۱۳۶۱ ش در ۷۷ سالگی درگذشت.

**انحلال حزب جمهوری اسلامی**

**به پیشنهاد اعضای آن (۱۳۶۶ ش)**

حزب جمهوری اسلامی یک هفته پس از پیروزی انقلاب از سوی حضرات آیات سیدمحمد حسینی‌پهشتی، سیدعلی خامنه‌ای، سیدعبدالکریم موسوی‌اربدیلی، اکبر هاشمی‌رفسنجانی و دکتر محمدجواد باهنر با هدف ایجاد تشکیلاتی نیرومند و سامان دادن به نیروهای فعال و ایجاد انسجام و انضباط، اعلام موجودیت کرد و به عضوگیری پرداخت. این حزب، در طول حیات خود، ضمن شرکت فعال تشکیلاتی در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی کشور، به لحاظ حضور رهبران حزب در سطوح بالای تصمیم‌گیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در سمت‌گیری مسائل و موضع‌گیری‌های کشور ایفا کرد. فعالیت حزب جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۶۳، همچون گذشته ادامه یافت ولی از آن سال به بعد، به تدریج دامنه و گستردگی آن کاهش یافت تا آنکه در یازدهم خرداد ۱۳۶۶، به دنبال پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی‌رفسنجانی به امام خمینی، مبنی بر توقف فعالیت‌های حزب و موافقت ایشان، حزب جمهوری اسلامی فعالیت‌های خود را متوقف کرد. در نامه رهبران حزب در دلایل انحلال آن آمده بود: «حساس می‌شود وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته و به عکس ممکن است تخرّب در شرایط کنونی، بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد. شورای مرکزی حزب، با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که حزب جمهوری اسلامی تعطیل و فعالیت‌های آن به کلی متوقف گردد.»

**وقوع زلزله وحشتناک و پرتلفات**

**در شهر «توکیو»ی ژاپن (۱۹۲۳م)**



در اول ژوئن ۱۹۲۳م زلزله پرتلفات توکیو در ۲ نوبت و به فاصله زمانی کوتاهی از یکدیگر رخ داد و در جریان آن نیمی از شهر بزرگ توکیو پایتخت ژاپن ویران شد. این زلزله، بزرگ‌ بزیگی را به دنبال داشت و در جریان آن بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم توکیو جان خود را از دست دادند.